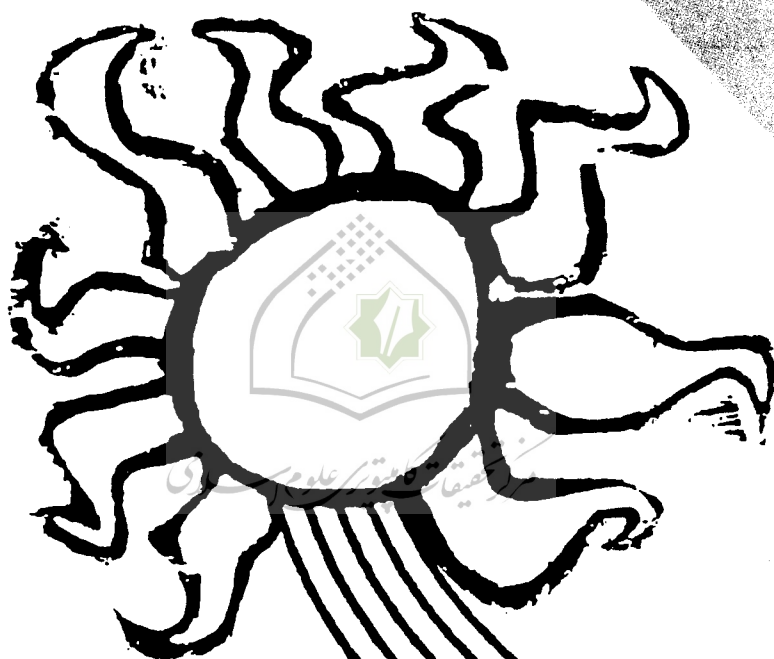


# نقش جاده ابریشم در انتقال مانویت به شرق

دکتر حسن رضایی باغ بیدی



از آنجا که مانی (۲۱۶ تا ۲۷۴ / ۲۷۶ م) آیین خویش را محدود به یک زمان و مکان نمی‌شمرد، و بر این باور بود که دینش به همهٔ زبانها و در سراسر جهان پراکنده خواهد شد<sup>(۱)</sup> از همان آغاز، با کوششی خستگی ناپذیر سفرهای دور و دراز خویش را آغاز کرد، و به تبلیغ آیین خویش پرداخت. او در سفرهایش به بین‌النهرین، ایران و هند توانست با موفقیت‌هایی روبه‌رو شود، تا بدان جا که پادشاه بودایی مذهب توران را به کیش خود درآورد.<sup>(۲)</sup> پس از آن نیز پیروز شاه، شاه خراسان، و مهرشاه، شاه میشان – که هر دو از برادران شاپور اول، پادشاه ساسانی (۲۴۰

---

۱. «دینی که من برگزیدم از دیگر دین‌های پیشینیان به ده چیز فراتر و بهتر است. یک (این) که دین پیشینیان در یک کشور و به یک زبان بود، اما دین من چنان است که در همهٔ کشورها و به همهٔ زبانها آشکار خواهد شد». (ترجمه از زبان فارسی میانه). رک به:

Mary Boyce, «A Reader in Manichaean Middle Persian and Parthian»; *Acta Iranica* 9, Leiden, 1975, p. 29, text a:1.

2. Ibid. pp. 34-37, text e. (in parthian)

تا ۲۷۰ م)، بودند. بدو ایمان آوردند.<sup>(۱)</sup> به نوشته ابن الندیم در *الفهرست*، پیروز مانی را نزد برادرش، شاپور، فرستاد و مانی پس از کسب اجازه از شاه، آزادانه به تبلیغ آیین خویش پرداخت.<sup>(۲)</sup>

تبلیغ نزد مانی چندان اهمیت داشت که خود می‌گوید: «از سرزمین بابل بیرون آمدم که خروشی را در جهان بخروشم.»<sup>(۳)</sup> از این رو، گروهی از برگزیدگان مانوی - که وظیفه اصلی شان تبلیغ دین بود - به زبان فارسی میانه، *xrōhxwān*<sup>(۴)</sup> (خروه خوان) خوانده می‌شدند که به معنی «خروش خوان» است.

مانی در زمان حیات خویش دستور داد آثارش را به زبانهای مختلف ترجمه کنند و نیز هیأت‌هایی را برای تبلیغ به نقاط مختلف جهان آن روز از جمله ارمنستان، روم، فلسطین، ماوراءالنهر، مصر و هند فرستاد. رهبری این هیأت‌ها را افرادی چون *أبـزخیا*<sup>(۵)</sup>، *أدا*<sup>(۶)</sup>، *أمـو*<sup>(۷)</sup>، *پاپوس*<sup>(۸)</sup>، *پاتیگ*<sup>(۹)</sup>، *توماس*<sup>(۱۰)</sup>، *زکو*<sup>(۱۱)</sup> و

1. Ibid. pp. 37-38, text f. (in parthian)

۲. *الفهرست* ابن الندیم، قاهرة، المكتبة التجارية الكبرى، بی تاریخ، ص ۴۷۲.

3. Mary Boyce, p 162, text CV: 21. (in parthian)

4. Mary Boyce, «A Word- List of Manichaeon Middle persian and parthian», *Acta Iranica* 9a, Leiden, 1975, p. 99.

۵. فارسی میانه: *Abzaxyā* (عربی: أبراحیا) ۶. فارسی میانه *Addā* (عربی: آدی)

۷. فارسی میانه و پارتی: *Ammo* ۸. یونانی: *Pappos*

۹. فارسی میانه و پارتی: *Pattig* یا *Pattēg* (عربی: فتق)

۱۰. یونانی: *Thomas* (عربی: توما) ۱۱. پارتی: *Zaku* (عربی: زکو)

گابریابیوس<sup>(۱)</sup> برعهده داشتند.

پس از آنکه مانی، بر اثر فشار مؤبدان زرتشتی زندانی شد، و در زندان جان سپرد (۲۶ فوریه ۲۷۴ یا ۲۷۶ م)، جانشینش، سسیس<sup>(۲)</sup> (وفات ۲۹۲ م / ۲۹۱ م)، فعالیت‌های تبلیغی او را ادامه داد، و پس از مدتی مانویت در آسیای صغیر، ارمنستان، روم شرقی، سوریه، شمال آفریقا، شمال جزیره العرب، فلسطین و مصر گسترش یافت.<sup>(۳)</sup> اگرچه مانویت تنها تا سده ششم میلادی توانست در برابر فشار کلیسای مسیح و دولت روم در مغرب زمین ایستادگی کند، ولی در مشرق زمین از چنان پشتوانه محکمی برخوردار شد که قرن‌ها دوام یافت و تنها حمله همه جانبه مغول بود که توانست ضربه‌ای جبران‌ناپذیر بر آن وارد آورد.

و اما داستان گسترش مانویت در شرق از طریق جاده ابریشم از آنجا آغاز می‌شود که اموی آموزگار<sup>(۴)</sup> به دستور مانی به آبرشهر<sup>(۵)</sup> فرستاده شد. انتخاب اموی بسیار شایسته بود، زیرا نه تنها به خط و زبان

۱. یونانی: Gabriabios-

۲. فارسی میانه و پارتی: Sisin (عربی: سیس)

3. Jes p. Asmussen, *Manichæan Literature*, Delmar, New York, 1975, pp. 17-18.

۴. فارسی میانه: hammōzāg, پارتی: ammozag. آموزگاران از بلند پایه‌ترین روحانیان مانوی بودند. تعدادشان همواره دوازده تن بود و زیر نظر مانی یا جانشین او فعالیت می‌کردند.

۵. فارسی میانه: Abartšahr, پارتی: šahr čé abar. آبرشهر نام قدیم نیشابور است. در اینجا منظور خراسان بزرگ است.

پارتی - که در آن منطقه رایج بود - آشنایی داشت، بلکه برخی از شاهزادگان اشکانی را نیز می‌شناخت.<sup>(۱)</sup>

آمو، پس از مرگ مانی نیز، به فعالیت‌های تبلیغی خویش در آسیای مرکزی ادامه داد. در نامه‌ای که سالار مانویان، احتمالاً سیسین، از مرو برایش فرستاد، به او دستور داد که در زمب<sup>(۲)</sup> بماند تا کتابها و یاورانی را به سویش گسیل کند.<sup>(۳)</sup>

گسترش مانویت در شرق مدیون تلاش بی‌وقفه مبلغانی چون آمو و بازرگانان سغدی است که نبض اقتصاد را در جاده ابریشم در اختیار داشتند. بیشترین پیروان مانویت در ماوراءالنهر، سغدیان بودند. سغد<sup>(۴)</sup> بخش بزرگی از جلگه میان دو رود جیحون (آمودریا) و سیحون (سیردریا) را در برمی‌گرفت و مرکز آن سمرقند بود. در زمان هخامنشیان، سغد یکی از استانهای تابع شاهنشاهی بود و مهمترین صادرات آن را سنگ لاجورد و عقیق تشکیل می‌داد.<sup>(۵)</sup> پس از فروپاشی سلسله هخامنشی (۳۳۱ ق. م)، سپاه اسکندر مقدونی سمرقند را ویران کرد (۳۲۹ ق. م). پس از آن بود که

۱. درباره سفر آمو، رک به: Mary Boyce, *Reader*, pp. 39- 42, text h. (in Middle: persian)

۲- پارتی: *Zamb* شهری در شمال شرقی مرو بر ساحل غربی رود جیحون.

3. *Ibid.*, pp. 48-50, text q. (in parthian).

۴. فارسی باستان: *Sug(u)da*, یونانی: *sogdiane*, فارسی میانه: *supt sut, sul*, فارسی میانه  
 رسانی: *sugl*, سغدی: *su 𐬰𐬀*, چینی (su-te), *su-de*, عربی: صغد.

5. Roland G. kent, *Old persian Grammar*, 2nd edition, New Haven, Connecticut, 1953, p. 144.

کرد (۳۲۹ ق. م). پس از آن بود که سغدیان در مسیر جاده ابریشم از مرو دون - هوانگ،<sup>(۱)</sup> در غرب چین، مهاجرنشین‌هایی را تأسیس کردند.<sup>(۲)</sup> بتدریج شهرهایی در مسیر جاده ابریشم به وجود آمد که بر تحولات فرهنگی این ناحیه اثر قابل توجهی داشت.<sup>(۳)</sup> بازرگانان سغدی - که در شهرهای مهم چین، مانند دون هوانگ، لوئو-یانگ (در سغدی - Luo-yang) sarag و یانگ - جو (yang- zhou) yang- chou، نمایندگی‌های تجاری برپا کرده بودند<sup>(۴)</sup> - ابریشم چین را به سرزمین‌های واقع در غرب پامیر حمل می‌کردند و در عوض اسبان جنگی مورد نیاز سواره نظام چین را از فرغانه، در شمال شرق پامیر، به چین می‌بردند. بازرگانی و تجارت اصلی‌ترین شغل سغدیان بود. بازرگانان در سغد از چنان موقعیت بالایی برخوردار بودند که در تقسیم‌بندی طبقات اجتماعی، طبقه بازرگانان (سغدی = xwākar) در میان طبقه اشراف (سغدی = āzāt-kār) و طبقه صنعتگران (سغدی = karēkār) قرار می‌گرفت، در حالی که در ایران دوره ساسانی، بازرگانان مانند دیگر مردم عادی، چهارمین طبقه اجتماعی را تشکیل می‌دادند.<sup>(۵)</sup>

1. Dun- huang(Tun-huang).

2. W,B, Henning, "Mitteliranisch" , *Handbuch der Orientalistik* I, 4, 1, Leiden, 1958, p. 54.

۳. آ. بلنیتسکی، *خراسان و ماوراءالنهر*، ترجمه پرویز ورجاوند، ج ۲، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۹.

4. E.H. Schafer, *The Golden peaches of samarkand*, Berkeley, 1963, p. 18.

5. Samuel N. C. Lieu, *Manichaeism in the Later Roman Empire and Medieval*

شواهد موجود نشان می‌دهد که از سدهٔ چهارم میلادی به بعد، مانویت در مناطق جنوبی سمرقند، بخصوص در نواحی اطراف بلخ و تخارستان، نفوذی عمیق داشته‌است.<sup>(۱)</sup> مانویان تجارت را امری بسیار مهم تلقی می‌کردند و در بسیاری از متون در کنار تبلیغ از آن یاد کرده‌اند. آمیختگی تجارت و تبلیغ را می‌توان در نخستین سفر مانی به هند، در کشتی تاجری به نام اُگیاس، oggias، مشاهده کرد.<sup>(۲)</sup> به علاوه مانی در نامه‌ای خطاب به فرستاده‌اش به روم شرقی، به نام اُدا، فرمان می‌دهد که «مانند بازرگانی که گنج می‌روبد» در آنجا بماند.<sup>(۳)</sup> همچنین در کفالایا (خطابه‌ها = Kephalia) - که کتابی مانوی به زبان قبطی captic است - مبلغ دین به بازرگانی تشبیه شده‌است که با کشتیهای پر از کالا باز می‌گردد.<sup>(۴)</sup> در اواخر سدهٔ ششم میلادی، مانویان آن سوی جیحون سالاری شاه اوهرمزد (وفات ۶۰۰م)<sup>(۵)</sup> را پذیرفتند و خود را «دیناوران»<sup>(۶)</sup> نامیدند. آنان این نام را از آن رو بر خود نهادند که اُمّو، فرستادهٔ مانی به شرق، در

۱. *حدودالعالم من المشرق الی المغرب*، با تعلیقات و مینورسکی، با تصحیح و حواشی مریم میراحمدی و غلامرضا وهرام، تهران، انتشارات دانشگاه الزهراء، ۱۳۷۲، ص. ۳۳۱.

2. Samuel N. C. Lieu, p. 41.

3. Mary Boyce, *Reader*, p. 39, text h: 1. (in Middle persian)

4. V. Arnold- Döben, *Die Bildersprache des Manichäismus*, Köln, 1978, pp. 62-63.

۵. فارسی میانه و پارتی: Šād - ōhrmizd

۶. فارسی میانه: dēnawārān، پارتی: dēnāβarān

متنی مانوی به زبان فارسی میانه «دیناورِ راست» خوانده شده است.<sup>(۱)</sup> در آن زمان برخی از سفدیانی که به دین مانی در آمده بودند، نزد ترکان ساکن در حوضه رود تاریم (طارم) Tarim, basin، به عنوان مشاور به فعالیتهای تجاری می پرداختند. به عنوان نمونه، در زمان شاهنشاهی خسرو اول «انوشیروان» (۵۳۱ تا ۵۷۹ م)، فرمانروای ترکان غربی به نام ایستَمی Istāmi (۵۲۳ تا ۵۷۵ م)، برای آنکه آزادی تجارت را از طریق ایران تا روم شرقی به دست آورد، فردی سفدی را به نام مانیاک Maniak - که اهل سمرقند بود - نزد خسرو فرستاد تا با او مذاکره کند. خسرو پیشنهاد وی را پذیرفت. از این رو مانیاک در سال ۵۶۸ م. به نزد یوستین دوم Justin II، امپراتور روم شرقی (۵۶۵ تا ۵۷۸ م)، رفت. اندکی پس از آن، پیمان دوستی میان ایستَمی و یوستین علیه پادشاه ساسانی بسته شد.<sup>(۲)</sup> نفوذ بازرگانان مانوی مذهب تا بدانجا رسیده بود که احتمالاً ساکنان اکثر شهرهای واقع در مسیر جاده ابریشم، واژه های «بازرگان» و «مانوی» را به عنوان دو واژه مترادف به کار می بردند.<sup>(۳)</sup> نیز در یکی از متون مانوی

1. Mary Boyce, *Reader*, p. 41, text h: 6.

۲. در دو منبع زیر امپراتور روم به اشتباه یوستینین (Justinian) ذکر شده است، در حالی که او در سالهای ۶۸۵ تا ۶۹۵ و ۷۰۵ تا ۷۱۱ م. امپراتور بوده است.

A. on Gabain, "Irano-Turkish Relations in the Late Sasanian period", *The Cambridge History of Iran*, 7 vols., Cambridge University press, 1993, vol. 3(1), p. 617.

نیز: غلامرضا وهرام، همان، ص ۸۶.

3. Jes p. Asmussen, *Xuāstväniift*, *Studies in Manichaeism*, Copenhagen, →



به زبان پارسی، رهبرِ مانویان، احتمالاً زَکو، «کاروان سالار» نامیده شده است.<sup>(۱)</sup>

پس از جنگ قادسیه (آوریل ۶۳۷ م) و فتح ایران به دست اعراب، و تیرگی روابط میان ایران و چین، بازرگانان سغدی واسطه برقراری ارتباط میان چین و غرب شدند. سمرقند رونقی بیش از پیش یافت.<sup>(۲)</sup> راههای تجاری از سمرقند به شمال منحرف شد و پس از گذر از پامیر از راه قفقاز به روم شرقی رفت. راههایی نیز از سمرقند به مغولستان و قرقیزستان گشوده شد. بنابراین، کالاهای تجاری از سمرقند به شرق و غرب عالم حمل می شد. تجارت میان سغد و چین چنان توسعه یافت که حتی دروازه شرقی سمرقند را «دروازه چین» نامیدند.<sup>(۳)</sup> اما دیری نپایید که سمرقند به تصرف سپاه عرب درآمد (۶۷۶ م)<sup>(۴)</sup> و از نفوذ سغدیان مانوی مذهب در آن ناحیه تا اندازه ای کاسته شد. البته شاهزادگان سغدی، با توسل به چین، قصد باز پس‌گیری آسیای مرکزی را داشتند، اما سپاه عرب به فرماندهی زیادبن صالح در نبرد طراز، در شرق سمرقند، سپهسالار چین، گائو-سیین - جی (Gao- Xian- zhi (kao- hsien- chich را شکست داد (۷۵۱ م) و

1965, pp. 149-150.

1. Mary Boyce, *Reader*, p. 139, text ch: 1.

۲. سمرقند (سغدی: Smarkanoθ)، به معنی «شهر گنج» از دیرباز شهری ثروتمند بوده است.

رک به: علی مظاهری، *جاده ابریشم*، ج ۲، ترجمه ملک ناصر نوبان، تهران، پژوهشگاه علوم

انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳، ج ۲، صص ۷۱۱، ۷۱۲.

۳. بدرالزمان قریب، *فرهنگ سغدی*، تهران، انتشارات فرهنگیان، ۱۳۷۴، ص هفده.

۴. غلامرضا وهرام، همان، ص ۶۵.

سلطه عرب بر آن ناحیه قطعی شد.<sup>(۱)</sup>

نخستین آموزگار مانوی در زمان سلطنت امپراتور گائو-زونگ Gao-Zong(kao tsung) (۶۵۰ تا ۶۸۳ م)، از سلسله تانگ (Tang(T'ang) ۶۱۸ تا ۹۰۷ م)، به چین پا نهاد. پس از او شاگردش مهر اوهرمزد<sup>(۲)</sup> به آنجا رفت، و پس از حضور در دربار ملکه چین، وو-جائو Wu- Zhao(wu- chao) ۶۸۴ تا ۷۰۴ م)، کتابی را به نام «کتاب دو اصل» Er-Zong (Erh-tsung-ching) Jing بدو اهدا کرد. این کتاب بعداً معروفترین اثر مانوی در چین شد.<sup>(۳)</sup>

به نوشته یکی از تواریخ چینی به نام مین - شو (Min- shu(Min-shu) مانویان در سال ۷۱۹ م. معبدی در چین داشتند.<sup>(۴)</sup> در همان سال، تیس Tes، پادشاه تخارستان، آموزگاری مانوی را به دربار تانگ فرستاد که بسیار دانا و در علم ستاره‌شناسی و طالع‌بینی بی‌نظیر بود. به نوشته منابع چینی پرسشی نبود که او پاسخش را نداند.<sup>(۵)</sup>

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

---

1. C. Edmund Bosworth, 'Central Asia in the Islamic period up to the Mongols' *Encyclopaedia Iranica*, California, 1992, vol. 5, pp. 169-170.

۲. فارسی میانه: Mihr- öhrmizd

3. E. Chavannes and p. peliot, 'Un traité manichéen retrouvé en chine' , *Journal Asiatique*, 1913, pp. 150-151.

4. *The Cambridge Encyclopedia of China*, ed Brian Hook, 2nd. edition, cambridge University prss, 1991, p. 314.

5. W. B. Henning, 'Argi and the Tocharians' , *Bulletin of the school of Oriental Studies*, 1938, p. 540.

دولت تانگ در سال ۷۳۱ م از یک برگزیده مانوی خواست که خلاصه عقاید و آداب و رسوم مانویان را به زبان چینی تهیه کند و به دربار ببرد. این اثر را امروز تحت عنوان «چکیده» (کُمنِدیوم) Compendium می‌شناسند.<sup>(۱)</sup> پس از آن، در سال ۷۳۲ م، دولت چین پیروی از آداب و رسوم مانویان را تنها برای خارجیان - بخصوص سفدیانی که مقیم چین شده بودند - جایز شمرد.<sup>(۲)</sup>

در سال ۷۵۵ م سپهسالاری به نام آن‌لو - شان<sup>(۳)</sup> که پدرش سفدی و مادرش ترک بود، سر به شورش برداشت و هر دو پایتخت شمالی چین را تسخیر کرد. دولت تانگ ترکان اویغوری را به یاری طلبید. سپاه اویغور در سال ۷۶۲ م پایتخت شرقی، لوئو - یانگ، را به تصرف خود درآورد. در همان جا بود که بوگوخان Bögü (حکومت ۷۵۹ تا ۷۸۰ م) پس از دیدار با سفدیان مانوی مذهب، مانوی شد. از آن به بعد شهر قره بلغاسون،<sup>(۴)</sup> مرکز حکومت اویغورها، به یکی از مهمترین مراکز مانوی بدل شد. پس از این پیروزی مهم، معبدی مانوی در سال ۷۶۸ م در چانگ - آن Chang-an (ch'ang-an) ساخته شد و به دنبال آن معابدی دیگر در حدود

1. G. Haloun and W. B. Henning, "The Compendium of the Doctrines and Styles of the Teaching of Mani, the Buddha of Light" *Asia Major*, 1952, pp. 184-212

2. Samuel N. C. Lieu, p. 231.

۳. An Lu-shan (An Lu-shan): این نام شاید صورت چینی شده نام ایرانی Rōxšān باشد:

E. G. Pulleyblank, *The Background of the Rebellion of An Lu-shan*, London, 1955, p. 15.

4. Kara balghasun (در ترکی: اردو بالیغ = شهر دربار)

Tai- Yue(yueh)، و در سال ۸۰۷ م معابدی در لوئو-یانگ و تائی-یوان Tai- yang(T'ai-yüng)، تأسیس شد.<sup>(۱)</sup>

نفوذ سغدیان در میان اویغورها تا بدانجا رسید که اویغورها شیوه کتابت سغدی را پذیرفتند و واژه‌های ایرانی از طریق زبان سغدی به زبان ترکی اویغوری راه یافت. برخی از این واژه‌ها عبارت‌اند از: ančman «انجمن» از سغدی ančaman؛ bāg «خدا» از سغدی βaγ dindar «دین‌دار، زاهد» از سغدی ben ār frišti «فرشته» از سغدی frēštē kagdä «کاغذ» از سغدی Kāēaḡā<sup>(۲)</sup>؛ maraspant «عنصر» از سغدی mar aspand؛ mozag «آموزگار» از سغدی mōčak؛ noš «نوشدارو» از سغدی pat nōš؛ amwar «پیامبر» از سغدی pat āmBarē<sup>(۳)</sup>

قرقیزها، در سال ۸۴۰ م، پس از تصرف شهر قره بلغاسون، خان اویغور را به قتل رساندند. اویغورها، پس از این شکست، به سمت جنوب حرکت کردند و در شمال غرب چین، بخصوص در گان-سو (= Gan-su) و دوئو-لو-فان (= Duo-Lu-fan (To-lu-fan) = تُرفان) مستقر شدند<sup>(۴)</sup>. آنان شهر گائو-چانگ پایتخت (= Gao-chang (kao-ch'ang) = خوچو،

1. *The Cambridge Encyclopedia of China*, p. 314.

۲. اگرچه کاغذ را چینیان اختراع کردند، سغدیان نقش مهمی در تولید و صدور آن به دیگر نقاط جهان داشتند (و از وی (= سمرقند) کاغذ خیزد کی به همه جهان ببرند) رک به: حدود العالم من المشرق الی المغرب، ص ۳۳۱.

۳. در این باره رک به: A.Von Gabain, pp. 613-624.

۴. غلامرضا ورهرام، همان، ص ۱۵۵.

قراچوی کنونی) را پایتخت خویش قرار داده، و مانویت را دین رسمی خویش اعلام کردند. در اینجا نیز بار دیگر بازرگانان سفدی، دین را با تجارت آمیختند، به گونه‌ای که صومعه‌های مانوی، مرکز فعالیت‌های تجاری نیز بود. جالب است توجه شود که برخی از صومعه‌ها محصولات تاکستانهای خویش را در صنعت شراب‌سازی به کار می‌بردند، و از آنجا که نوشیدن شراب در مانویت حرام بود، آن را به چین صادر می‌کردند.<sup>(۱)</sup> در واقع چینیان کشت یونجه و تاک، و تولید شراب انگور، و شاید حتی کشت پنبه را از سفدیان آموختند.<sup>(۲)</sup> صومعه‌های مانوی دارای خدمتکار، نانوا، خیاط، آشپز، قالیباف و پزشک نیز بود.<sup>(۳)</sup>

در سال ۸۴۳ م، در پی ضعف قدرت اویغورها، دولت چین ابتدا با ارسال نامه‌ای رسمی برای خان اویغور، به اطلاع وی رسانید که معابد مانوی را در سراسر چین، به جز در شهرهای پایتخت و تائی - یوآن تعطیل خواهد کرد. چندی بعد، معابد پایتخت و تائی - یوآن نیز بسته و اموالشان مصادره شد. سرانجام در همان سال فرمان قتل عام مانویان صادر شد. ائین Ennin زائر بودایی مذهب ژاپنی، در این باره می‌نویسد:

«فرمانی سلطنتی صادر شد که دستور می‌داد روحانیان مانوی را در قلمرو امپراتوری بکشند. سرهایشان را می‌تراشیدند، جامه بودایی بر تنشان می‌کردند

1. N. C. Samuel *Lieu*, p. 241.

۲- ای. م. آرانسکی، *مقدمه فقه الفقه ایرانی*، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات پیام،

۱۳۵۸، ص ۱۴۹.

3. N.C. samuel *Lieu*, p.242.

و مانند سَمَن‌های بودایی آنان را به قتل می‌رساندند»<sup>(۱)</sup>

مشابه این آزار، در دوران خلافت المقتدر (۹۰۸ تا ۹۳۲ م) در بین‌النهرین صورت گرفته بود، به طوری که، به نوشته ابن‌الندیم، گروهی از مانویان از ترس جان خویش، به خراسان گریختند و حدود پانصد تن از آنان در سمرقند اقامت گزیدند. هنگامی که حاکم مسلمان خراسان از وجودشان آگاه شد، تصمیم به قتل آنان گرفت، اما خانِ اویغور<sup>(۲)</sup> تهدید کرد که اگر حتی یکی از آنان کشته شود، تمام مسلمانان سرزمین خویش را خواهد کشت و مساجدشان را ویران خواهد کرد. از این رو حاکم خراسان از قتل عام آنان صرف نظر کرد.<sup>(۳)</sup>

دو نامهٔ سغدی از اواخر سدهٔ نهم میلادی نشان می‌دهد که اختلافات موجود میان دو فرقهٔ - مانوی، به نامهای مهربیّه (سغدی Mihryan) و مقلاصیّه (سغدی = Miylastkt - که در زمان ولید بن عبدالملک (۷۰۵ تا ۷۱۵ م) در بین‌النهرین به وجود آمده بودند - به ماوراءالنهر نیز سرایت کرده بود.

فتوحات مغول در قرن سیزدهم میلادی ضربه‌ای جبران‌ناپذیر بر پیکر مانویت وارد آورد. با وجود این، مانویت در چین در زمان سلسله‌های یوان (Yuan(yüan) ۱۲۷۶ تا ۱۳۶۸ م) و مینگ، (Ming(Ming) ۱۳۶۸ تا ۱۶۴۴ م)، بویژه در فو - جیین (Fu-Jien(Fu-chien) و جه - جیانگ (Zhe- Jiang(Fu-chien) در میان سغدیان و اویغورهای مهاجر، همچنان رایج بود.

1. E. O. Reischauer, *Ennin's Travels in T'ang China*, New York, 1955, p. 232.

۲. ابن‌الندیم «پادشاه چین» آورده، اما بدون شک منظورش خانِ اویغور است که شمال غرب

چین را در اختیار داشت. ۳. ابن‌الندیم، *الفهرست*، ص ۴۸۶.

برخی بر این باورند که جُو یوآن - جانگ (Zhu-Yuan-zhang (chu-yūan-chang) بنیانگذار سلسله مینگ، تمایل به مانویت داشت. (۱)  
مانویت تا اواخر سده چهاردهم میلادی به حیات خویش در چین ادامه داد و پس از آن بتدریج به فراموشی سپرده شد.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

1. *The Cambridge Encyclopedia of China*, p. 314.

توضیح: در آوانویسی واژه‌های چینی از شیوه Pinyin پیروی شده است. معادل هر واژه به شیوه آوانویسی Wade-Giles در میان دو کمان (پرانز) آمده است.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی